

# نسبت مهارت «توصیف کلامی» مصادیق معماری و تربیت دانشجویان معماری<sup>۱</sup>

## آزاده خاکی قصر<sup>۲</sup>

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

## حسین پورمهدی قائم مقامی<sup>۳</sup>

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد

کلیدواژگان: توصیف کلامی، مهارت، فرایند طراحی معماری، تربیت معماران.

### چکیده

در مرتبه عینی توصیف کلامی، عرصه‌هایی در مسیر رسیدن به مقصد در معماری تشخیص داده می‌شوند. مرتبه معنایی فهم توصیف کلامی نیز ناظر به تشخیص حریم‌ها در راه تقرب به مقصود است. این دو سلسله‌مراتب در عین جدایی به هم آمیخته‌اند. برای توصیف کلامی مطلوب سنجه‌هایی هست که از مهم‌ترین آن‌ها احراز ویژگی «روایتگری» و «افناع‌پذیری» و «قابلیت الصاق به احکام معماری» است. از یافته‌های نوشتار حاضر، تبلور نوعی تربیت کلامی مختص دانشجویان معماری است.

### مقدمه

در جریان فهم مصادیق معماری تجربه‌ای متبلور می‌شود که تنها از جنس شکل نیست. برای انتقال چنین تجربه‌ای، وجود مراحل مقدماتی، نه به معنای مراحل ناقص، بلکه به معنای بیان کامل از جنس مضمون، و قبل از ساحت شکلی، ضرورت دارد. ارزش توصیف‌های غیر کلامی برای فهم معماری بی‌بدیل است و پرسش از توصیف کلامی در معماری به معنای نفی دیگر رسانه‌های بیان نیست. هدف از آن گام برداشتن در راه فهم کامل‌تر معماری است. در نوشتار حاضر در تبیین منازلی برای

توصیف کلامی یک بنا، مهارت بیان فهم آن بر محمل کلمات است. در آموزش دانشجویان در دانشکده‌های معماری بر تربیت تصویری دانشجویان تأکید به‌جایی دارند، در حالی که بر تربیت کلامی آن‌ها کمتر توجه می‌شود. قبل از آنکه بنایی را دانشجویان معماری طراحی کنند، توصیف کلامی آن‌ها را در معرفی بر قالب کلمات به مخاطب توانمند می‌کند. در سطح دیگر، پروژه‌های معماری یا بناهای ساخته‌شده دانشجویان است که با مهارت توصیف کلامی تا حدودی فهمیده می‌شوند. با این نگاه اعتبار بیرونی مهارت توصیف کلامی تنها به بیان فهم بناهای متعین محدود نمی‌گردد و در فرایند طراحی معماری، به تناسب موضوع و شخص طراح، در منزل‌های آغازین، میانی، و پایانی مؤثر خواهد بود. بنا بر این هم استادان و هم دانشجویان از مخاطبان استفاده از مهارت توصیف کلامی خواهند بود.

حدود مهارت توصیف کلامی یک بنا از خواندن صورت بنا تا فهم جوهره آن و درنهایت فهم اندیشه پشتیبان آن را شامل می‌شود. از وجوه توصیف کلامی مصادیق معماری می‌توان به دو وجه عینی و معنایی اشاره کرد.

۱. این مقاله، برآمده از تجربه تدریس نگارندگان در حوزه معماری است.  
2. a.khaki@yazd.ac.ir  
3. h.ghaemmaghami@yazd.ac.ir

تمرین توصیف کلامی به منظور تقرب به چنین توانایی در تربیت معماران سعی می‌شود. ابتدا چارچوب نظری توصیف کلامی تبیین و یکی از روش‌های تقرب به آن بیان می‌شود. در ادامه، مصادیقی از تمرین‌هایی که در مسیر آموزش معماری بر اساس چنین رویکردی انجام شده‌اند، به منظور بیان کاربرد این نگاه، تبیین می‌شوند. در انتها با مروری بر یافته‌های نوشتار حاضر و بررسی آن‌ها، سنجه‌هایی برای مطلوبیت توصیفات کلامی در معماری بیان خواهد شد.

## ۱. چارچوب نظری برای تبیین مهارت «توصیف کلامی» مصادیق معماری

### ۱.۱. نیم‌نگاهی به موضوع «توصیف» به‌طور عام

توصیف در لغت به معنای وصف صفات یا خصایص چیزی، ستودن، بیان صفت کسی یا چیزی، و نشانی دادن آمده است.<sup>۴</sup> توصیف علاوه بر آنکه در قالب کلمات به شکل مکتوب یا شفاهی قرار می‌گیرد، در قالب‌های دیگری نیز مطرح است.<sup>۵</sup> تمرین در توصیف برش‌هایی از زیستن، یکی از تمرین‌ها برای فهم زمینه‌ای است که انسان در آن می‌زید. توصیفگر می‌تواند آن برش از زندگی را زیسته باشد یا موقعیت‌های زیستی مشابه را ادراک کرده باشد. با توجه به یکی از معانی توصیف که «نشانی دادن» است، آدمی سعی می‌کند که نشانی‌ها و منازل راه تجربه‌شده را تا حد امکان برای دیگران نیز روشن گرداند. توصیف بیان برشی از زندگی است که مقدمه، بدنه، و مؤخره‌ای دارد، برشی که با جوهره‌اش، یعنی هدف گام نهادن در آن اعتبار می‌یابد. با این نگاه و مشترک دانستن زندگی همه انسان‌ها در فطرت، می‌توان زبان مشترکی را برای تفاهم درباره توصیفات وقایع عالم انتظار داشت. چنین زبان مشترکی کمتر تخصصی و بیشتر عام است و می‌تواند منشأ فهم زندگی باشد. به میزانی که تجربه انسان از زیستن، حقیقی و کمتر قراردادی باشد؛ دستیابی او به جوهره‌ای از زیستن در زمینه خاص میسرتر است و مخاطب او نیز امکان بیشتری برای فهم بیان او خواهد داشت.

### ۱.۲. درآمدی بر مهارت «توصیف کلامی» در معماری

معماری همچون ظرف زیستن انسان، می‌تواند از توان توصیف انسان در بیان برش‌هایی خاص از راه زندگی کمک بگیرد. مکان از ریشه کَوْن، به معنای چیزی که هستی یافته، یادآور زیستن است. به این ترتیب توصیف

## پرسش‌های تحقیق

### پرسش اصلی:

۱. منظور از توصیف کلامی در حوزه معماری چیست؟

### پرسش‌های فرعی:

۲. استعداد توصیف کلامی چگونه می‌تواند یک مهارت مؤثر در تربیت دانشجویان معماری باشد؟

۳. چه تمریناتی ناظر به تقویت مهارت توصیف کلامی در معماری هستند؟

۴. سنجه‌های مطلوبیت توصیفات کلامی در حوزه معماری چیستند؟

۵. حدود روایتگری در توصیف کلامی در فهم و بیان معماری چیست؟

۴. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «توصیف».  
۵. توصیف می‌تواند در قالب آواها، ایماها، نواها، نمادها نیز بیان گردد.



و عصاره زندگی آنان در آن مصداق از معماری، قابلیت بازگویی می‌یابد، در حالی که در توصیف مکان‌ها به اتکای تصویر، فرازهایی از اطوار زندگی متجسم می‌شوند. - در توصیف یک مصداق معماری، در انکشاف ابعاد وجودی آن در وجه شکلی و مضمونی سعی می‌شود که می‌تواند در فهم و نقد مصادیق معماری در راه تربیت معماران نقش ارزنده‌ای داشته باشد.

- دلیل دیگر را می‌توان در ماهیت فرایند طراحی معماری جستجو کرد. در سیر از سؤال به جواب در طراحی معماری، منازل متعددی هستند که می‌توان به طور کلی دو وجه شهودی و منطقی را برای آن‌ها نیز ملتزم دانست. در وجه شهودی به نظر می‌رسد که منازل کمتر نوشته شده‌ای هستند که شاید بتوان با تکیه بر توصیف کلامی در آستانه تبیین آن قرار گرفت.

- از آنجا که در تربیت معماران بخش قابل توجهی از زمان، به گفتگوهای هدفدار استادان و دانشجویان در کارگاه‌ها و سفرها اختصاص دارد، پی‌گیری موضوع تقویت توانمندی توصیف کلامی از سوی آنان می‌تواند از مناسبات بحث‌های جمعی و فردی در آموزش معماری باشد.

- در فرایند آموزش معماری، قوت دست دانشجویان بسیار راه‌گشا است اما همیشه دانشجویانی هستند که چندان مهارت لازم را برای کار با دست ندارند. در ایجاد تعادل در سیر منطقی جمع دانشجویان تقویت مهارت توصیف کلامی مؤثر خواهد بود.

#### ۴.۱. پیشینه موضوع توصیف کلامی

۴.۱.۱. آرای صاحب‌نظران درباره جایگاه توصیف در معماری با ورود رسانه‌های مختلف بیان در معماری، انواع توصیف‌ها در قالب کلی تصویری و کلامی رونق یافته‌اند. برای هرکدام از این دو نوع قالب بیان حقیقتی هست که انکارناپذیر است که

مکان به شکل طولی، تمرین و فهم زیستن است. بنا بر این توصیف از ویژگی‌های جوهری معماری است که از یک بستر توصیفی ایجاد می‌شود و قابلیت بازگشت به آن را دارد. منظور از مهارت توصیف کلامی، توان بیان مضامین موجود در یک بنا در قالب کلام است که از فهم معماری یک بنا با سلسله‌مراتب از کلیات تا جزئیات حاصل می‌شود.

توصیف کلامی می‌تواند از لایه‌های ظاهری تا باطن مسطور تعمق یابد. همه منظور از توصیف کلامی یک مصداق معماری زنده کردن شکل آن از طریق کلمات نیست، گو اینکه ممکن است یک توصیف کلامی مطلوب دستاوردهای شکلی را نیز متبلور گرداند. از سوی دیگر، مقصود از تربیت دانشجویان معماری مساعد کردن زمینه برای انکشاف درون آنان و همچنین فراهم آوردن زمینه برای سیر بیرونی و رجوع به تجربیات متعین در معماری است. دو قسمی، که ناظر به ابعاد مختلف تربیت معرفی شدند، می‌توانند ناظر به وجه شهودی و منطقی آن نیز باشند. با چنین نگاهی می‌توان از استعداد توصیف کلامی در بیان چنین وجوهی سؤال کرد.

#### ۳.۱. دلایل پرسش از توصیف کلامی مصادیق

##### معماری در تربیت دانشجویان معماری

علاوه بر مواردی که به طور ضمنی آمد، می‌توان دلایل پرسش از توصیف کلامی در تربیت دانشجویان معماری را در چند فراز دیگر نیز بیان کرد:

- در توصیف معماری در ساحت کلام نسبت به تصویر، ایجازهایی هستند که شاید وجود آن‌ها کمتر سبب ریزش کیفیت‌های معماری نسبت به تبیین تصویری باشد. چنین ویژگی از خاصیت‌های کلام است که وجهی از معانی را به تناسب زمینه کلام و زمینه فکری مخاطب، میرز می‌گرداند. - در توصیف کلامی یک بنا به منزله ظرف، شیوه‌های زیستن انسان‌ها و مفاهیم پشتیبانی‌کننده آن‌ها به منزله مظهر بنا، در برشی غیر عرضی از زمان نظاره می‌گردد

فرانسیس دی چینگ<sup>۶</sup> درباره آن چنین می گوید:

... درست همان طور که یک تصویر می تواند از هزار کلمه گویاتر باشد، یک کلمه هم می تواند در چشم ذهن هزار تصویر را مجسم کند. صرف نظر از توانایی یک واژه یا تصویر تنها، وقتی این دو در کنار هم بیایند معنا را بهتر و مؤثرتر منتقل می کنند...<sup>۷</sup>

نگارندگان نیز با رابطه همزیستی میان تصویر و کلام موافق هستند.

آنتوتی سی آنتونیادس<sup>۸</sup> بر این باور است که توصیف، پایه و مایه ادبیات، از ابزارهای تفکیک نشدنی معمار و آموزگار معماری شهودگرا است. او درباره قوت و ارزش توصیف در معماری به چند نمونه اشاره می کند:

برخی از بهترین توصیفات فضاهای شهری آنهایی هستند که هنری میلر درباره پاریس نوشته است. اگر پاریس هیچ گاه ساخته نشده بود، شاید یک طراح شهری زبده می توانست، با اتکا به توصیفات میلر، آن را بسازد. چارلز دیکنز نیز اثری مشابه را برای لندن عصر انقلاب صنعتی نوشته است. برای درک حال و هوای امریکای چند دهه اخیر... می توان به نوشته های ریچارد برایتگان مراجعه کرد...<sup>۹</sup>

از نگاه کریستین نوربرگ-شولتز<sup>۱۰</sup>، «توصیف» به معنای بیان نسبت های اشیا با یکدیگر در زمینه کیفی زیست جهان است. وی حدود توصیف را برای شاعران در بالاترین مرتبه و به تدریج برای دیگر انسان ها در مراحل پایین تر تصور می کند و می افزاید برای آموزش در چنین زمینه ای نیاز هست که آن ها در زمینه انکشاف سرشت چیزها در عالم قرار بگیرند و به شدت مخالف علم انتزاعی برای فهم و توصیف چیزها در حوزه آموزش است.<sup>۱۱</sup> وی می افزاید:

آدمی در جهانی که جوهره آن زیستن است، به شکلی محاط در اشیا پیرامون حضور دارد. برای توصیف چنین جهانی، با استفاده از اصطلاح «زیست جهان» می توان گفت که آن جهانی است که ما در آن امکان تجربه های طبیعی زیستن در همراهی با اشیا را داریم. چون زیست جهان به ما امکان واقعی تجربه های کیفی زیستن را تا حدود

زیادی می دهد؛ لذا می تواند در توصیف جوهره زیست جهان از سوی انسان کارآمد باشد. در این جهان هر چیزی نامی دارد و انسان ها، به واسطه زبان به یاری نام ها، گنجاینده ها را از گنجینه زیست جهان به توصیف درمی آورند و نسبت های میان چیزها را آشکار می سازند.<sup>۱۲</sup>

کریستوفر الکساندر<sup>۱۳</sup> بر خاصیت زبانی معماری تأکید می ورزد و در این باره به الگوهای اشاره می کند که حاصل زیستن کیفی در جهان است. یکی از ضرورت هایی که او بیان کرده این است که خود مردم با توصیف شیوه های زیستن خود به زبانی ساده به معماران کمک کنند تا آن ها مکان های زنده برای زیستن انسان، مطابق با توصیفی میسر از حیات انسان در هر زمینه ای، عرضه کنند.<sup>۱۴</sup> به قرینه آنکه مردم به زبان تصویر در معماری به اندازه معماران مسلط نیستند و اینکه الکساندر بر توصیف مردم از زندگیشان به زبان ساده تأکید دارد، می توان نتیجه گرفت که منظور او قریب به توصیف به یاری کلام بوده است.

نیکوس ا. سالینگروس<sup>۱۵</sup> دو زبان برای معماری قائل است که یکی از آن ها را زبان الگو و دیگری را زبان فرم می خواند. از نگاه او هر زبان الگو حامل روش های مختلف زیستن انسان های مختلف در زمینه های گوناگون است. بنا بر این استعداد انکشاف بی نهایت الگوهای زیستن برای به خدمت گرفته شدن در معماری را دارد. این در حالی است که زبان فرم دربردارنده نوع هندسه ای است که در هر نوع خاص از معماری به جواب های روشن خود رسیده است. وی در جستجوی پیوند میان این دو زبان است.<sup>۱۶</sup> بر اساس سخن او، توصیف کلامی هم در حوزه زبان فرم و هم در حوزه زبان الگو ورود می یابد.

بر اساس سخن سالینگروس از آنجا که زبان الگو بیانگر توصیف انسان ها از عالمی که در آن زندگی می کنند متناسب با شیوه های زیستن آن ها است، قابلیت استخراج بی شمار الگوهای زیستن را دارد. چنین زبانی کمتر از جنس تصویر و بیشتر از جنس مفاهیم است. به این ترتیب، توصیف کلامی به طور ویژه در حوزه زبان الگو تاثیر ضروری خواهد داشت.

6. Ching, Frank (1943-)
۷. فرانسیس دی چینگ، فرهنگ بصری معماری، ص ۷.
۸. Antoni C. Antoniades منتقد معمار معاصر
۹. آنتونیادس، بوپقیای معماری، جلد اول، ص ۱۷۳.
۱۰. Christian Norberg-Schulz
۱۱. (۱۹۲۶-۲۰۰۰) معمار فقید نروژی متأثر از تفکر های دیگر است.
۱۲. کریستین نوربرگ-شولتز، معماری، حضور، زبان، مکان، ص ۲۱.
۱۳. می توان افزود که تجربه شولتز برای فهم و لاجرم توصیف زیست جهان متعلق به گفتمان پدیدارشناسانه است.
۱۴. همان، ص ۲۱-۲۳.
۱۵. Alexander Christopher
۱۶. معماران و نظریه پردازان معاصر
۱۷. نک: کریستوفر الکساندر، معماری و راز جاودانگی.
۱۸. Nickos a Salingarous
۱۹. ریاضی دان و نظریه پرداز معاصر معماری
۲۰. نیکوس ای سالینگروس، یک نظریه معماری، ص ۳۸۹-۳۹۲.



### ۲.۴.۱. اشاره به مصادیقی از توصیف‌های کلامی در معماری

الکساندر، سال‌ها است که روشی توصیفی برای بیان نظرات خود را تجربه می‌کند. به طور مثال در کتاب *معماری و راز جاودانگی* بخشی از لحن توصیفی کتاب چنین است:

هر وقت می‌خواهم با کسی از این کیفیت سخن بگویم، اولین جایی که به ذهنم می‌رسد کنجی از یک باغ روستایی انگلیسی است که در آن درخت هلویی در کنار دیواری سر برافراشته است. دیوار از شرق به غرب کشیده شده و درخت هلو در جانب جنوبی سر برآورده است. آفتاب بر درخت می‌تابد و وقتی آجرهای پشت درخت را گرم می‌کند، آجرهای گرم هلوهای درخت را گرم می‌کند.<sup>۱۷</sup>

توصیف فوق کیفیت مکانی خاص را برای ذهن بیان می‌کند. در کنار آن نوعی تصور از تصویر پشتیبان حاصل از این کیفیت نیز می‌تواند مجسم شود. این نوع توصیف ساده مصادقی از توصیف کلامی است. به توصیفی از زبان شولتز که به بیان چستی ورودی می‌پردازد توجه کنیم:

نخستین لحظه لحظه ورود است... رسیدن به مکان هم‌ارز ورود به معنای راستین خواهد بود. ورود به معنای گذار از یک منطقه یا ناحیه به منطقه یا ناحیه دیگر است و هنگامی روی می‌دهد که فرد از آستانه یک مکان عبور می‌کند. نخست چنین است که مکان نو خود را در افق دوردست ظاهر می‌سازد، ما هنوز خارج از آن به سر می‌بریم، و به تدریج نزدیک‌تر و نزدیک‌تر و سرانجام بدان وارد می‌شویم. این ارتباط برون / درون حقیقی است که برای هویت یافتن هر مکانی اهمیت بنیادین دارد.<sup>۱۸</sup>

در این توصیف، شولتز از مفهوم ورود، بدون آنکه اشاره به ورودی خاصی داشته باشد، سخن می‌گوید. او به یاری زبان از کلماتی همچون آستانه، درون، بیرون، و نزدیک شدن و رسیدن استفاده می‌کند و موضوع کلی‌تری همچون ورود را توصیف می‌کند. چنین توصیفی، در عین حال که ورودی‌های مختلف را در اذهان زنده می‌گرداند، تصویر خاصی را تداعی نمی‌کند. این

توصیف نیز مصادقی از توصیف کلامی است.

در ادامه به دو نوع توصیف از دو نوع اتاق از زبان دو نویسنده توجه کنیم:

توصیف سالینگروس از یک اتاق خواب چنین است:

بزرگ‌ترین مقیاس یک اتاق کوچک از آپارتمان قدیمی نویسنده، که کاملاً با رنگ سفید پوشیده شده، ۴ متر است. دو پنجره که با هم ساخته شده‌اند، در اندازه ۱۸۰ سانتی‌متر یک مقیاس را تعریف می‌کنند. عرض هر پنجره برابر با عرض در است. این عرض‌ها نیز مقیاس دیگری را در ۷۵ سانتی‌متر تعریف می‌کنند. زوار پنجره‌ها و چارچوب در نیز هر دو ۷ سانتی‌متر عرض دارند. تا جزئیات سطحی ۳ میلی‌متر در بافت ظریف دیوار، هیچ مقیاس دیگری وجود ندارد. با در نظر گرفتن همه اینها ما ۵ مقیاس خواهیم داشت.<sup>۱۹</sup>

توصیف سهراب سپهری<sup>۲۰</sup> از اتاق آبی نیز اینچنین است:

...ته باغ ما یک سرطویه بود. روی سرطویه یک اتاق بود. آبی بود. اسمش اتاق آبی بود. سرطویه از کف زمین پایین‌تر بود. آن قدر که از دریچه بالای آخورها سر و گردن مال‌ها پیدا بود. راهرویی که به اتاق آبی می‌رفت چند پله می‌خورد... ما در این اتاق زندگی می‌کردیم. یک روز مادرم وارد اتاق آبی می‌شود. مار چنبره‌زده‌ای در طاقچه می‌بیند، می‌ترسد... همان روز از اتاق آبی کوچ می‌کنیم. به اتاقی می‌رویم در شمال خانه. اتاق پنج‌دری سپید. تا پایان در این اتاق می‌مانیم. و اتاق آبی تا پایان خالی می‌افتد.<sup>۲۱</sup>

قصد از بیان این دو نوع توصیف مقایسه آن‌ها و رجحان یکی نیست، بلکه توجه به تفاوت در نوع نگاه توصیف‌گران و توجه به تفاوت ماهیت چیزی است که توصیف می‌شود. قصد سالینگروس از بیان چنین توصیفی، زنده کردن مراتب مقیاس در ذهن مخاطب است. او از اندازه‌های کمی برای بیان منظور استفاده می‌کند.

در سوی دیگر، سپهری برای بیان یک کیفیت مکانی برای زیستن، اتاق آبی را توصیف می‌کند و به بیان اندازه‌های کیفی به کمک استفاده از سابقه آشنایی آدمی با شیوه زیستن در یک

۱۷. کریستوفر الکساندر، همان، ص ۲۲.

۱۸. کریستین نوربرگ-شولتز، همان، ص ۴۰.

۱۹. نیکوس ای سالینگروس، همان، ص ۱۱۵.

۲۰. سهراب سپهری از شاعران و نقاشان معروف ایرانی است که تا حدود سال ۱۳۵۹ ش می‌زیسته است.

۲۱. سهراب سپهری، *اتاق آبی*، ص ۱۵.

خانه روستایی می‌پردازد.

کریم پیرنیا<sup>۲۲</sup> در توصیف اندازه‌های کمی و کیفی در معماری ایرانی چنین بیان می‌دارد:

...معمار ایرانی افزاز (بلندا) در گاه را به اندازه بالای مردم می‌گرفته و روزن و روشن‌دان را چنان می‌آراسته که فروغ خورشید و پرتو ماه را به اندازه دلخواه به درون سرای آورد. پهنای اتاق خواب به اندازه یک بستر بوده و افزاز تاقچه و رف به اندازه‌ای است که نشسته و ایستاده به‌آسانی در دسترس باشد. روزن بالای پنجره یا گل‌جام معمولاً دارای شیشه‌های رنگی به رنگ‌های زرد لیمویی و آبی بوده که این شیشه‌ها را از غرابه‌های شکسته به دست می‌آورند. برای جلوگیری گرما به درون، از ارسی بهره می‌برند یا دیوار و آسمانه (سقف) را دوپوسته می‌ساختند تا لایه پنجم (عایق) جلوگیری گرما باشد.<sup>۲۳</sup>

در نمونه‌هایی که بیان شدند، توصیفگر فارغ از نظر شخصی، به بیان واقعیت‌ها می‌پرداخت. به همین علت توصیف کلامی یک مکان می‌تواند در امر فهم و نقد مصادیق معماری در تربیت دانشجویان کاربرد داشته باشد.<sup>۲۴</sup>

برای نمونه آخر در این بخش از بیان دانشجویان استفاده می‌شود. در تمرینی در درس «درک و بیان محیط» از دانشجویان خواسته شد تا از زبان عناصر موجود در خانه رسولیان (دانشکده معماری یزد) به توصیف محیط بپردازند. هر کدام از دانشجویان عناصر مختلفی همچون حوض آب، پشت بام، بادگیر، و ارسی را انتخاب کردند. به نمونه‌ای از زبان حوض توجه کنیم:

...چه وظیفه سنگینی را بر عهده من گذاشته‌اند. با چند تکه سنگ و کمی آب، چه کارها که باید بکنم. باید به انسان‌هایی که چیزی به غیر از سنگ زیر پایشان نمی‌بینند بگویم که آسمانی هم بالای سرتان هست. دریایی درونتان هست و... اگر منی، که در حصار چند تکه سنگ اسیر شده‌ام، توانسته‌ام قاب بی‌نهایت آسمان باشم و لطافت بی‌نهایت ابرها را نزدیک کنم، آن‌ها هم می‌توانند و چه دشوار است حوض بودن...<sup>۲۵</sup>

در توصیف اخیر، واقعیت از نگاه یک حوض که حاصل تخیل آدمی است تبیین شده است. در آن به دانشجو اجازه داده شده است که دیدن‌های متفاوت غیر از زاویه همیشگی خود را تجربه کند.

## ۲. درباره تقریب به مهارت توصیف کلامی، مصادیق معماری در فرایند آموزش معماری

### ۲.۱. ویژگی‌های مهارت توصیف کلامی

توصیف کلامی یک مصداق معماری روند و محصولی دارد با ویژگی‌های زیر:

- بر مبنای حضور انسان (انسان‌ها) در بنا است: در توصیفات کلامی بناهای ساخته‌شده وجود تجربه حضور در بنا و یا زیستن در آنجا زمینه فهم مصداق معماری است.

- بر مبنای تخیل دانشجویان معماری یا طراحان است: در توصیفات کلامی برای تمرین طراحی معماری و طرح‌های دانشجویان در مراحل قبل از تعیین تصویری، تکیه بر قوه تخیل ضروری است.

- انسان پیمانه توصیف مصداق معماری است: یعنی اندازه همه‌چیز خود از میزان ادراک او مشخص می‌شود. توصیفگر اندازه چیزها را در نسبت با یکدیگر و در نهایت در نسبت با خود می‌سنجد.

- ملاک پذیرفته شدن آن اقتناع جمعی است: اگرچه مشابه بودن توصیف یک مکان از طرف عده‌ای می‌تواند نشانگر فهم مشابه یک مکان باشد، اما لزوماً این‌طور نیست که مبنای پذیرفته شدن یک توصیف فراوانی مشترکات آن توصیف با توصیفات دیگران باشد. چه بسا نگاه متفاوت یک توصیفگر هیچ نقطه مشترکی با توصیفات دیگران نداشته باشد. مسئله مهم در اینجا سنجش‌های برای پذیرفته شدن یک توصیف، حتی یک توصیف متفاوت، است. کلید سنجش در دست اقتناع جمعی است. منطق روایت توصیفات کلامی است بر مبنای تصویری که در اشخاص

۲۲. محمد کریم پیرنیا (۱۳۹۹-۱۳۷۶) معمار، محقق، نویسنده، نظریه‌پرداز معماری و استاد دانشگاه؛ او تلاش کرد با بررسی بناها و گفتگو با معماران و استادکاران قدیمی برخی از ویژگی‌ها و اصول معماری ایرانی را بررسی و شناسایی کند.  
۲۳. کریم پیرنیا، سبک‌شناسی معماری ایرانی، ص ۲۶-۲۷.  
۲۴. توجه به تفاوت میان opinion و fact.  
۲۵. برگرفته از نوشته فرزانه حقیقی سال اول دوره کارشناسی معماری دانشکده معماری دانشگاه یزد در سال ۱۳۸۰، بر اساس تمرین از زبان عناصر خانه رسولیان در درس درک و بیان محیط دوره کارشناسی معماری از مجموعه تمرین‌های نگارندگان.



## ۲.۲. مختصات توصیف کلامی در فرایند آموزش معماری

سرمایه مهارت توصیف کلامی، زمینه زبانی زبان تکلم دانشجویان معماری است. از ابتدای ورود دانشجویان به رشته معماری، شاید بتوان این مهارت را از مجموعه قوای مهارتی دانست که ممکن است آورده دانشجویان به رشته معماری باشد. مهارت ادراک و به طور خاص مهارت مشاهده یکی از شاخه‌های ادراکی و مهارتی است که بر محمل زبانی تکلم دانشجویان سیال می‌شود و قوه توصیف کلامی به تدریج به فعل تبدیل می‌گردد. به این ترتیب، از بدو ورود دانشجویان به رشته معماری مختصات توصیف کلامی در حوزه آموزش معماری رنگ تعلق خود را می‌یابد. با این نگاه، در سال‌های بعدی، با تقویت این مهارت، می‌توان شاهد ارتقای آن در روند آموزشی دانشجویان معماری بود.

در فرایند آموزش معماری در دروس مختلف، حدود و اندازه توصیف کلامی متفاوت است. به طور مثال در دروس کارگاهی مثل طراحی معماری، در ابتدای تشریح مسئله طراحی و فهم زمین و زمینه طراحی و توجه در انکشاف جوهره موضوع طراحی می‌توان انتظار داشت که مهارت توصیف کلامی به خدمت آشکارگی بیشتر صورت مسئله و همچنین آشکارگی بیشتر جواب‌های دانشجویان بیانجامد. این اتفاق در میانه‌های فرایند طراحی معماری و همچنین در انتهای آن نیز در مراتب مختلفی قابل استفاده است. این مهارت در بعضی موارد که مفاهیم با بیان تصویری تقلیل می‌یابند، کمک می‌کند تا درباره مفاهیم با مهارت تکلم سخن گفته شود. از سوی دیگر، فقدان مهارت بیان تصویری بعضی از دانشجویان با آن تا حدودی جبران گردد. همچنین وجه شهودی بعضی مسائل در فرایند طراحی معماری نیز کمتر از دست می‌رود.

در ادامه دروس با تم نظری هستند که منابع مکتوب مختلف در خصوص آن‌ها در دسترس است. اساس بسیاری از آن‌ها

زنده می‌گردانند. برای احراز اقناع جمعی، توصیفگر باید بر مبنای آشنایی همچون فطرت انسانی تکیه کند.

– نوعی روش تفسیری-تاریخی یا روش کیفی یا روش شبیه‌سازی «ضمنی» برای توصیف کلامی هست: از آنجا که وقایع زندگی آدمی در ظرف معماری توصیف می‌گردد، روش کیفی می‌تواند روش تحقیق در این نوع بیان‌ها باشد. از سوی دیگر، چون بعضی از بناهای گذشته کاربران اولیه خود را از دست داده‌اند، روش جان‌نشین، روش تفسیری-تاریخی خواهد بود. در مواردی که پیش‌بینی می‌شود کاربران فرضی چه رفتارهایی را در خصوص بنای طراحی شده داشته باشند، می‌توان از نوعی روش شبیه‌سازی در بیان توصیف کلامی بهره برد.

– از ساده به پیچیده است: بیان در توصیف کلامی درجات مختلفی از فصاحت دارد. برای تمرین دانشجویان معماری، مبنای زبان ساده قرار می‌گیرد و در صورت وجود استعدادهایی برای توصیف به زبانی فصیح جای توفیق است.

– مبین و نه غامض است: سخن گفتن به زبانی روشن و نه پوشاننده در یک توصیف کلامی مطلوب انتظار می‌رود. توصیفگر کوتاه سخن می‌گوید و اصل و فرع را از یکدیگر تشخیص می‌دهد.

– مختصر و نه طولانی است: باید اذعان داشت که اطلاع کلام در حوزه معماری درباره چیزی که هنوز ساخته نشده است خود، تضادی با واقعیت دارد که معماران از آن پرهیز می‌کنند. از سوی دیگر، تطویل سخن درباره بنایی که موجود است و می‌تواند ادراک شود نیز معنی ندارد. بنا بر این برای آشنایی مخاطب با جوهره چیزی که قرار است ساخته شود یا ساخته شده است، تا حد لازم و البته مختصر باید جان کلام در حداقل کلمات منتقل شود. با تمرین برای حساسیت لازم در انتخاب نوع و تعداد کلمات باید به حداقل بهینه دست یافت.

حصول نوعی مبانی نظری برای دانشجویان معماری است. در این درس، مهارت توصیف کلامی در روش بیان استاد و در ایجاد تفاهم در کلاس و همچنین در بیان بازخورد از سوی دانشجویان در پروژه‌های نوشتاری آنان بسیار اهمیت دارد. به این ترتیب، در حوزه مبانی نظری بخصوص تحصیلات تکمیلی رشته معماری، توصیف کلامی جایگاه ویژه‌ای دارد.

### ۳.۲. اشارهای به وجوه عینی و معنایی توصیف کلامی

هر مصداق معماری دریافت‌هایی را در ذهن ما ایجاد می‌کند. بعضی از این دریافت‌ها تا زمان نزدیکی ما به آن موقعیت پرنرنگ است، اما بعضی در صورت دور شدن نیز هنوز در ذهن ما نقش بسته‌اند. درباره بعضی از این تصورها می‌توانیم سخن بگوییم و درباره بعضی دیگر شاید سکوت را ترجیح دهیم.

می‌توان یک مصداق معماری را از حیث «چگونه بودن»، «چه بودن»، «چرا بودن»، «کجا بودن»، و «متعلق به چه زمانی بودن» توصیف کرد. هر کدام از وجوه یادشده ساحتی از موجودیت مصداق معماری را بازگو می‌کنند. بعضی از آن‌ها ما را به سلسله‌مراتب عینی و بعضی دیگر به سلسله‌مراتب معنایی تقرب به فهم جوهره زیستن رهنمون می‌شوند.

### ۳.۲.۱. تبیین عرصه‌های سلسله‌مراتب عینی در

#### توصیف کلامی یک مصداق معماری

برای توصیف کلامی یک مصداق معماری باید از ظرفیت‌های زبانی بهره جست. مثلاً می‌توان از زوج‌هایی استفاده کرد که در کلام هستند و برای آدمی فهم چیزها را در درجه‌بندی میان زوج‌ها میسر می‌کنند. از میان چنین ازواجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بلندا و پستی، گستردگی و تمرکز، پس و پیش، دور و نزدیک، بالا و پایین، باز و بسته، تاریک و روشن، مستقیم و چرخنده، درون و بیرون، رعنا و خپل، مستمر و منقطع، فراخ و تنگ، و... از سوی دیگر، چنین زوج‌هایی توصیفگر طبیعت نیز هستند،

۲۶. کریستین نوربرگ- شولتز، همان، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۲۷. کامبیز حاجی‌قاسمی، گنجنامه (امامزاده‌ها و مقابر)، ج ۱۲، ص ۲۸۸.

این برای انسان‌ها آشنا است. انسان فراخی و گستردگی یک دشت را از پس کوه‌های متمرکز درمی‌یابد. انسان با توجه به جهاتی که نسبت به خورشید و زمین و در حدود پیش و پس خود تشخیص می‌دهد، مفاهیمی همچون بالا و پایین، نزدیک و دور را تشخیص می‌دهد.

شولتز نیز با چنین ادراکی از چیزها موافق است. وی با زمینه گشتالتی تفکراتش، توجه به عوارض طبیعی و آشنایی آن‌ها برای انسان‌ها را مبنای فهم از مکان برمی‌شمرد. وی تعبیر «یکایک» را برای توصیف هر شیوه خاص از بودن چیزها روی زمین و زیر آسمان مبنا قرار می‌دهد و بیان می‌کند آدمی می‌تواند در توصیف مکان، یکاهای مختلف را تشخیص دهد.<sup>۲۶</sup> زوج کلمات بیان شده می‌توانند به زبانی ساده، مقدمات فهم و بیان انسان از کلیت یک مصداق معماری باشند. در ادامه می‌توان به چگونگی سازمان‌دهی مصداق معماری اشاره کرد. با اشاره به سازمان‌دهی‌ها عرصه‌ها، حدود، و همچنین محورها و مراکز و لبه‌ها تشخیص داده می‌شوند. این قدمی دیگر در توصیف مصداق معماری است.

در این ساحت از توصیف می‌توان از ورود تا ماندن و سپس خروج را بر اساس سلسله‌مراتب تقرب به مقصد در یک مکان بازگو کرد. این بازگویی به کمک فهم تغییرات مفصل‌ها و رها شدن‌ها، گستردگی‌ها، و تمرکزها خواهد بود.

به توصیفی از مقبره شاه نعمت‌الله ولی، که سلسله‌مراتب عینی مناسبی دارد، توجه کنیم:

... این بنا شامل چهار صحن متوالی واقع بر یک محور و گنبدخانه‌ای با رواق‌های پیرامونش در میانه این محور است. قدیمی‌ترین بخش مجموعه گنبدخانه است که... بر مزار شاه نعمت‌الله احداث شده است... گنبدخانه در ابتدا صورتی کوشک‌مانند داشته و احتمالاً از هر سو به باغ پیرامون خود می‌نگریسته است.<sup>۲۷</sup>

با توصیفی که به زبان گویا از مقبره شاه نعمت‌الله ولی بیان





«حریم» توجه کنیم. دریافت حریم از یک مکان به مثابه آگاهی از حضوری برتر است که نسبتی هویتی از یک مکان را می‌گشاید. در مثال دیگر، بر محورها در یک مکان دقت می‌کنیم. پس از تشخیص محورها در یک مکان، به مفهومی به نام «جهت» رهنمون می‌شویم. محورها بیانگر توجه‌های حسی و حرکتی هستند، اما جهت فارغ از توجه حسی و حرکتی، توجه معنایی را بیان می‌دارد که دریچه دیگری است و با هویت نسبت دارد.

در مثال دیگر به موضوع ورود به یک مکان توجه کنیم. در مکان‌های خاصی ساحت مفهوم ورود تغییر می‌کند و به برکت حضور وجودی برتر در یک مکان، معنای «آستانه» متبلور می‌شود. به این ترتیب، به جای دیوارها و درها، «پرده‌ها» مفهوم می‌گیرند.

جلال آل احمد<sup>۲۸</sup> در یکی از کتاب‌های خود با نام حسی در میقات، طوری خود را توصیف می‌کند که مخاطب مختصات عینی و البته معنایی او را به منزله مصداقی از انسان در نسبت با مبدأ کل درک می‌کند. او در حالی که در یکی از مقاصد از جنس کالبدی معماری است، به درستی و زیبایی نسبت خود را با مقصود در ذهن به تصویر می‌کشد.

### ۳. بیان بعضی تمرین‌ها به منظور ارتقای مهارت توصیف کلامی در فرایند آموزش معماری

#### ۳.۱. تمرین «دقت دیدار»، اساس «صحت گفتار»

خوب دیدن، به معنای ادراک دقیق برای دانشجویان، می‌تواند مقدمه‌ای برای درست فهمیدن یک مصداق معماری باشد. تمرین در تدقیق دیدن کمک می‌کند که توصیفگر به تصحیح بیان خود بپردازد. خوب دیدن سبب می‌شود که در بیان آنچه دیده شده است، در قالب کلمات صحیح‌تر عمل شود. علاوه بر خوب دیدن،

شد، خواننده آشنا و ناآشنا با مکان مورد نظر، تصور محوری بودن این مجموعه، با تأکید در میانه آن به وسیله گنبد، را به رسمیت می‌شناسد. در قدم بعدی، حیاط‌های متوالی (فضای باز) و گنبدخانه (فضای بسته) را عرصه‌هایی تعریف شده در این محور دریافت می‌کند.

#### ۲.۳.۲. تبیین منازل سلسله‌مراتب معنایی توصیف کلامی یک مصداق معماری

توصیف می‌تواند فراتر از پرداختن به مقصد، از مقصود نیز سخن بگوید. در این ساحت چارچوب دیگری در فهم مصداق معماری ایجاد می‌شود که با هویت نسبت دارد. این بار آدمی پیمانه ادراک خود را به مثابه واسطه‌ای برای بودن چیزها و از جمله بودن مکان در نسبتی با وجود دریافت می‌کند. پس مصداق معماری از فضا بودن خود فاصله می‌گیرد و به حوزه مکان، آن‌چنان که در ابتدای نوشتار آمد نزدیک می‌گردد.

به طور مثال در بعضی خانه‌های سنتی یزد، مثلاً خانه رسولیان، مقصد می‌تواند اتاق هفت‌دری و ارسی آن باشد یا حیاط آن خانه با حوض مخصوص به آن و یا هر جای دیگری از آن خانه به تناسب هدف مخاطب. اما مقصود از جنس تعلق خاطر و نوعی آرامش است.

در مساجد مختلف شهرهای تاریخی ایران، محراب مساجد و ایستادن در جهت قبله و اقامه نماز از مقاصد اصلی مخاطبان است. اما فراتر از آن توجه قلبی است که نسبت به صاحب قبله مقصود نمازگزاران مطرح است.

در جستجوی سلسله‌مراتب طولی تقرب به مقصود، مکان‌ها به یک اندازه نیستند. در بعضی مکان‌ها با تشخیص حدودی همچون عرصه‌ها، قلمروها، مراکز و حاشیه‌ها، درمی‌یابیم که حدودی دیگر هست که از جنس قلمروها و عرصه‌ها نیستند. فهم آن‌ها منوط به طی شدن زمان عرضی نیست و در ادراک توصیفگر حاصل می‌شود. به طور مثال به حدودی همچون

۲۸. جلال آل احمد نویسنده و مترجم برجسته ایرانی (۱۳۰۲-۱۳۴۸).

زندگی را آن گونه که خود دیده و تجربه کرده‌اند، بیان می‌کنند...<sup>۲۹</sup> برای فهمیدن کیفیت زیستن در یک مصداق نظاره‌گر بودن زندگی دیگران در آن محل نیز می‌تواند سبب تکامل فهم گردد. سفر به قصد دیدار یک مصداق نیز، زمان را برای زیستن کوتاهی در یک مکان فراهم می‌آورد. شایسته است که بر سفر به مثابه یکی از زمینه‌های مستعد برای ایراد توصیف کلامی تأکید شود. در این زمینه دریافت‌های مشترک و متفاوتی هست که خود می‌تواند کوران‌های مثبتی از اندیشیدن و فهم بیافریند.

### ۳.۳. تمرین «طراحی صورت مسئله» از سوی استادان معماری

در موقعیت طراحی صورت مسئله در آموزش معماری، استادان کارفرمای پروژه‌ها هستند. آن‌ها اهداف و خواسته‌های پروژه‌ها را با روش بیان خود در قالب توصیف به دانشجویان منتقل می‌کنند. به طور منطقی بخشی از توصیفات درباره صورت مسئله به صورت کلامی است که مد نظر این بخش است. استادان یادداشت‌هایی می‌نویسند. گزینه‌هایی برای دانشجویان شکل می‌گیرد. بسته به میزان منطقی یا شهودی بودن استادان، نوع توصیف آن‌ها از موضوع پروژه متفاوت خواهد بود. این تفاوت نگاه، بر اساس زمینه سیال تم پروژه‌های معماری، گاهی منجر به برنامه‌ریزی‌های فضایی تا حدودی متفاوت نیز خواهد شد. در برنامه‌ریزی‌های فضایی شناور و تا حدودی مختص هر دانشجو نیز، امکان چنین سیالیتی هست.

۳.۴. تمرین «بیان سناریو»<sup>۳۰</sup> طراحی معماری در اولین گام‌های تمرین طراحی معماری، بیان سناریو در گزینه‌های مختلف طراحی مطرح است. سناریو ناظر به فعالیت‌های خاص پروژه و رفتارهای متقابل بهره‌برداران آن و همچنین چگونگی تناظر چنان محتویاتی با کالبد بنا است. منزل بیان سناریو، در گزینه‌های طراحی معماری، یکی از منازل

دیدن چیزهای خوب نیز بسیار کمک می‌کند تا فرد به دقیق‌تر دیدن تشویق و هدایت شود. خوب دیدن سبب می‌شود همه فعالیت‌ها و مکان‌هایی، که برای ما مثل عادات روزمره شدند، نیز رنگ تازه‌ای بیابند و چیزهایی برای بیان داشته باشند. به طور مثال توصیف فعالیت‌های مردم در یک فضای اجتماعی، همچون یک نانوايي، یک مسجد محله، یک مدرسه ابتدایی، یک روستای مشخص، و... می‌تواند تمرین خوبی برای دقیق دیدن باشد. از واژه «یک» به طور خاص استفاده شده است تا، با گذر از ویژگی‌های عام هر کدام از مثال‌های مصادیق یادشده، به بیان جوهره خاص همان مصداق توجه و تأکید شود. یکی از عوامل مداخله‌گر در این تمرین آن است که دانشجویان دیگر حاضر در کلاس آن مورد خاص را قبلاً دیده باشند یا خیر. در هر دو صورت چنین تمرین‌هایی چالش‌ها و رهاوردهای خاص خود را خواهد داشت.

### ۳.۲. تمرین «زیستن» در مصادیق مختلف معماری به مثابه زمینه توصیف کلامی

برای توصیف کلامی مطلوب از یک بنا باید توصیفگر در آنجا زیسته باشد. ممکن است زیستن او در یک مکان در زمانی کوتاه باشد و یا حتی به عمری بیانجامد. در انسان‌ها، با وجوه ادراک متعدد، زمان ادراک متفاوت خواهد بود. بهتر است توصیفگر موارد مشابه و متفاوت با مصداقی که به توصیف آن می‌پردازد را دیده باشد تا بتواند، از طرق مقایسه دور و نزدیک نیز، بعضی وجوه و حدود منحصر به فرد مکان مورد نظر را انکشاف کند. آنتونیادس در مورد درک از نزدیک و تجربه زیستن در یک موقعیت برای بهتر و کامل‌تر توصیف کردن آن این چنین اشاره می‌کند:

... اگرچه نویسندگان تلاش می‌کنند دیگران را به این باور سوق دهند که وضعیت‌های توصیف‌شده در آثار ایشان ساختگی و مجازی است، اما واقعیت این است که در بهترین حالت، آن‌ها

۲۹. آنتونیادس، همان جا.  
۳۰. در فرهنگ دهخدا، سناریو به معنای فیلمنامه، داستان مخصوص فیلم سینما آمده است. به طور عام، لغت سناریو «طرح کلی وضعیت طبیعی و یا مورد انتظار حوادث» است، اما اگر بخواهیم سناریو را تخصصی‌تر تعریف کنیم می‌توان گفت که سناریو داستانی توصیفی از بدیل‌های موجه است که به بخش خاصی از آینده نظر دارد.



نیاز به توصیف کلامی مجدداً رونق می‌گیرد. به این ترتیب، با قائل شدن به هریک از رویکردهای مذکور، نیاز به مهارت توصیف کلامی در بیان جوهره موضوع طراحی معماری ضرورت دارد.

### ۳.۶. تمرین «نوشتن بیانیه طراحی» در کنار اسکیس‌های طراحی معماری

تمرین نوشتن در کارگاه‌های طراحی معماری از تمرین‌های سهل و ممتنع است. علاوه بر بودن ذوق و قریحه نوشتن در نهاد بعضی انسان‌ها، مهارت نوشتن نیز نیاز به مقدماتی از جمله متن‌های خوب خواندن و البته زیاد و متنوع و دقیق خواندن دارد. اگر انتظار خود را از نوشتن دانشجویان در حداقل بیان خبر و نه اثنا تنظیم کنیم، در عین چالش‌های به‌ضرورت، به رهیافت‌هایی نیز خواهیم رسید. بعضی از دانشجویان با چنین رسانه‌ای می‌توانند دریافت‌های خود را بهتر و کامل‌تر بیان کنند. بنا بر این از این استعداد نیز می‌توان در خدمت پیشبرد طراحی معماری نیز استفاده کرد. بیانیه طراحی دانشجویان به موازات اسکیزی که طراحی کرده‌اند شامل این موارد پیشنهادی است: هدف از طراحی، بیان جوهره موضوع طراحی، پیشینه موضوع طراحی، کانسپت طراحی در قالب کلام، احکام طراحی، مفاهیم کلیدی پشتیبان طراحی، و....

نوشته‌های معماران در حین فرایند طراحی استفاده می‌شوند. بر اساس نظر آنتونیاداس، «...در فرایند قبل از طراحی است که نوشته‌های معمار بسیار سودمند واقع می‌شود...»<sup>۳۳</sup> وی در ادامه نوشته‌های معماران را در نسبت با طراحی‌های خلاقه آنان معرفی و اضافه می‌کند:

...درست برخلاف این عقیده که معماران اهل نوشتن نیستند، یا اینکه معماران بی‌زبان هستند، واقعیت این است که اکثر معماران برجسته... به نوشتن توجه نشان می‌دادند و تعدادی از ایشان نویسندگانی پرکار و چیره‌دست بوده‌اند (مانند فرانک لوید رایت، لوکوبوزیه، آوار آلتو، و اریک مندلسون)...<sup>۳۴</sup>

تعیین‌کننده در نوع طراحی‌ها و البته میزان گویایی جواب‌های دانشجویان به مسئله طراحی معماری است. یکی از سنجه‌های تشخیص درست طی کردن این منزل، قبول سیر منطقی است که دانشجویان در سناریوی خود بیان می‌کنند. پس از انتخاب گزینه بهینه و پیشبرد طراحی تا منزل تکامل، باز هم می‌توان با محک بیان سناریو میزان پاسخ‌دهی طرح را تا حدود زیادی سنجید. در این تمرین، دانشجو سعی می‌کند با قرار دادن خود به جای کاربران مختلف و در موقعیت‌های مختلف در پاسخ‌دهی مصداقی که طراحی کرده است، در نسبت با مخاطبان مختلف، توصیف و البته تحلیل کند. به این ترتیب، جاهای از قلم افتاده و نارسا یا ناکارا در طرح معماری او فهمیده می‌شوند. از سوی دیگر، قوت‌های کار وی با روان بودن سیر منطقی تناظر فعالیت‌ها و کالبد، از طریق بیان سناریوی مناسب و قابل تفاهم، از سوی دیگر دانشجویان و استادان تأیید می‌گردد.

### ۳.۵. تمرین «بیان جوهره موضوع» موضوع طراحی معماری

دو رویکرد مختلف «سبقت معنی بر صورت» و یا «سبقت صورت بر معنی»، که هر کدام نحله خاصی از طراحی معماری را به ارمغان می‌آورند، در کارگاه‌های طراحی معماری موضوعیت دارند. اگر بر رویکرد اول اتکا کنیم، جریان فهم جوهره موضوع طراحی معماری، پیش از آنکه صورتی در ذهن طراح شکل بگیرد، کارگاه را به این سمت سوق خواهد داد که دانشجویان در بیان جوهره موضوع طراحی به توصیف کلامی روی آورند. آن‌چنان که لویی کان<sup>۳۱</sup> اشاره می‌کند، در طراحی یک مدرسه، جوهره موضوع آموزش مد نظر است، پیش از آنکه بگوییم که مدرسه در کجا واقع است یا مختص چه نوع دانش‌آموزانی است و یا سؤالاتی دیگر...<sup>۳۳</sup>

از سوی دیگر، با اصالت دادن به رویکرد سبقت صورت بر معنی، باز هم با اتکا به کهن الگوهای موجود در خاطره جمعی،

۳۱. Louis Kahn (۱۹۰۱-۱۹۷۴)

معمار مشهور معاصر

۳۲. دوماالو جورگولا، لویی کان، ص ۱۴۳.

۳۳. آنتونیاداس، همان، ص ۱۷۶.

۳۴. همان.

### ۳.۷. تمرین «گفتگوهای چندسویه» در کارگاه‌های طراحی معماری

دور هم نشستن و گپ زدن‌های هدف‌دار و هدایت‌شده از سوی استادان همواره از منزل‌های کارگاه‌های طراحی معماری بوده است. چنین محفل‌هایی، سابقه‌آشنایی استادان و دانشجویان را با محتوای مهارت توصیف کلامی فراهم کرده است. در این فراز تأکید بر وجود چنین منزلی و ارزش کرکسیون‌های جمعی خواهد بود. ایجاد فرصت‌های عادلانه برای گفتگوی همه افراد کارگاه و متکلم وحده نبودن استاد و یا تنها معدودی از دانشجویان، از شروط حُسن انجام چنین گفتگوهای جمعی در کارگاه‌های طراحی معماری خواهد بود.

### ۳.۸. تمرین «توصیف مصادیق معماری» برای مخاطب عام (غیرمعمار)

از عوامل مداخله‌گر دیگر در توفیق یا عدم توفیق مهارت توصیف کلامی، در تقرب به هدف آموزشی آن، معمار یا غیرمعمار بودن مخاطب آن است. توصیف یک مصداق معماری به مخاطبین غیرمعمار، دشواری‌ها و البته آسانی‌های خاص خود را دارد. در توصیف یک مصداق معماری به مخاطبین غیرمعمار نمی‌توان از مفاهیم و کلمات تخصصی رشته معماری استفاده کرد و این محدودیت است. از سوی دیگر، امکان‌های دیگری در محمل زبان وجود دارد که می‌توان از استعدادهای آن در برقراری ارتباط با مخاطب عام استفاده کرد. به طور مثال در این نوع تمرین از دانشجویان خواسته می‌شود که طرح خود را برای مادر یا پدر خود، که معمار نیستند، توصیف کند. در سطحی دیگر می‌توان از آن‌ها خواست که طرح خود را برای کارفرمای غیرمعمار خود توصیف کنند. این نوع تمرین‌ها، نوعی شبیه‌سازی برای موقعیت واقعی حرفه نیز تلقی می‌گردند. بنا بر این تمرین‌های نسبتاً واقعی در زمینه زندگی حرفه‌ای دانشجویان معماری در آینده نیز محسوب می‌گردند.

### ۳.۹. جلساتی برای «توصیف خوانی»

می‌توان جلساتی را به خواندن توصیف‌هایی از مکان‌ها از زبان معماران یا غیرمعماران اختصاص داد و به کمک چالش‌های موجود در نظرات دانشجویان و استادان، به فهم ویژگی‌ها و اصول یک توصیف مطلوب نزدیک شد. این اتفاق می‌تواند در ساعت‌های اوقات فراغت دانشجویان اتفاق بیفتد یا اگر کار در کارگاه خسته‌کننده شده است و نیاز به یک تفریح و انبساط خاطر کوتاه هست، استاد دقایقی را به توصیف خوانی اختصاص دهد.

### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

#### ۴.۱. سنجه‌های مطلوبیت توصیف‌های کلامی

##### مصادیق معماری

برای ارزیابی مطلوبیت توصیف‌های کلامی مصادیق معماری سنجه‌های ذیل لازم است:

- ویژگی روایت را داشته باشد: دانشجویان معماری آشنایی مختصر، اما کافی با ساختار داستان دارند. آنها می‌دانند که داستان شروع و بدنه و ختمی دارد. پیوستگی سلسله‌اتفاقی‌های ممکن در داستان از ویژگی‌های فهم کلیت آن است و اگر در این خصوص کمبودی پیش آید، زنجیره وقایع قابلیت ریشه شدن خود را از دست می‌دهد. می‌توان از آشنا بودن دانشجویان با ویژگی‌های داستان استفاده کرد و ساختار روایت را برای آنان تا حد ضرورت بیان کرد. به این ترتیب، می‌توان محدوده‌ای از داشتن ویژگی زنجیره منطقی برای رویدادهای رفتارهای انسان‌ها در مظلوف خود یعنی معماری را از آن‌ها طلب کرد. با این نگاه یکی از مبنای قضاوت در درستی یا تکامل توصیفات کلامی از سوی آن‌ها داشتن زنجیره روایتی برای محصولشان خواهد بود.

- منحصر به فرد باشد: مختص بودن توصیف کلامی به یک فرد، اعتبار بیرونی خاص خود را دارد. آن‌چنان‌که در طول تاریخ شاعران و نویسندگانی با چنین قوتی



ترتیب، فاصله آن‌ها با طراحی بسیار کم می‌شود و به همین نسبت اعتبار کارایی بالاتری دارند.

#### ۲.۴. حدود روایتگری توصیف کلامی

«روایت باید در فضا و زمان خود تبیین شود، یعنی نمی‌تواند در متن خیالی فضا- زمان قرار گیرد...»<sup>۳۵</sup> از تبیین چنان خاصیتی برای روایت می‌توان چنین برداشت کرد که حدود روایت مورد نظر در توصیف کلامی، به نوعی حامل رفتارهای انسان‌ها در ما به ازاهای فضایی آن است. بنا بر این توصیف رفتارها بدون توجه به چگونگی ظرف آن‌ها و یا توصیف ظرف بدون توجه به مظهر و ناقص است. ویژگی روایتی بودن توصیف کلامی با سناریو نسبت دارد. یک روایت مطلوب سازمان‌دهی خوب و مناسب دارد. در کامل‌ترین حالت می‌توان الگوهای معماری را از یک روایت در معماری استخراج کرد.

حدود روایتگری در توصیف کلامی از خواندن صوری مصادیق معماری آغاز می‌گردد و تا فهم اندیشه پشیمان<sup>۳۶</sup> ایجاد مصادیق معماری امتداد می‌یابد. این حدود در «ت ۱» بیان شده است. بیان حدود مورد نظر در قالب جدول به این معنی نیست که حدود مذکور کاملاً مشخص و جدای از یکدیگرند، بلکه آن‌ها ابری هستند و نمی‌توان به طور مشخص میان آنان خط کشی کرد. اما برای بیان حوزه‌های قابل تشخیص در محدوده‌ای

به ظهور رسیده‌اند. یک توصیف کلامی مطلوب باید با چنین ویژگی جوهری نسبت داشته باشد. تکراری بودن، حلاوت توصیف را از آن می‌گیرد و لاجرم استفاده آن را در حوزه معماری از آن سلب می‌کند. این با موضوع فهم یک معنای مشترک در توصیف‌گران مختلف منافات ندارد. - اقلع‌پذیری داشته باشد: قانع شدن در برابر عقل و قوای منطقی معنا می‌یابد. اما از آنجا که توصیف کلامی ماهیتاً طبع ذوقی انسان را نیز سیراب می‌گرداند، مقبول حس بودن نیز در این زمینه، در محدوده اقلع تعریف می‌گردد. بنا بر این مقبول عقل یا سیرابگر حس یا به طور کامل‌تر، پذیرنده هر دو نیز بودن از سنجه‌های ارزیابی میزان مطلوبیت توصیف‌های کلامی است.

- بیانگر جوهره پروژه معماری باشد: توصیف کلامی مطلوب درباره یک مصداق معماری یا طرحی، که هنوز ساخته نشده است، باید طوری باشد که بتوان از آن جوهره موضوع طراحی را فهمید. یعنی معنایی از صورتی که متعین شده است را نیز تا حدودی بیان کند. - قابلیت الصاق به احکام معماری را داشته باشد: توصیف‌های کلامی مطلوب، در حدی بیان می‌شوند که می‌توان از آنها احکام معماری را نیز استخراج کرد. یا اینکه اساساً به احکام معماری اشاره می‌کنند. به این

۳۵. لیندا گروت و دیوید وانگ، روش‌های تحقیق در معماری، ص ۱۵۳.  
۳۶. «اندیشه پشیمان» از تعبیری است که از خدمت دکتر هادی ندیمی آموختیم.

ت ۱. حدود روایتگری در توصیف کلامی، مأخذ: نگارندگان.

نوع محصول	سلسله‌مراتب زنجیره‌های روایتگری	مراتب مورد توجه	حوزه‌های تشخیص	حدود روایتگری در توصیف کلامی مصادیق معماری	
از جنس اطلاعات	فرم‌ها و بافت‌ها و تناسبات و اتصالات	چیستی شکل‌ها	تشخیص فرم‌های به‌کاررفته در بنا	روان خوانی	روخوانی بنا
		هندسه و اندازه‌ها	تشخیص بافت و رنگ و کیفیت‌های بصری به همراه فرم‌های بنا	شیواخوانی	
		تناسبات و قواره‌ها	تشخیص گشتالت بنا در نسبت با انسان	فهم صورت بنا	
از جنس دانش	قلمروها، حاشیه‌ها، مراکز، لبه‌ها، مسیرها، مفصل‌ها، و...	چگونگی‌ها و کاربردها و فعالیت‌ها	تشخیص جوهره بنا	فهم معنای کالبدی بنا	
از جنس خرد	حریم‌ها، منازل، پرده‌ها، و آستانه‌ها	چرایی‌ها و علت‌های ایجاد و وجودی	تشخیص دستگاه فکری طراح بنا	فهم اندیشه پشیمان بنا	

که روایتگری توصیف به بیان نقش می‌پردازد، تقسیم‌بندی که اتفاق افتاده است می‌تواند روشن‌گر باشد. از سوی دیگر، لازم به ذکر است که بیان حدود به صورت ترتیبی اتفاق نمی‌افتد. یعنی این‌طور نیست که ابتدا خواندن بنا محقق شود و سپس فهم معنای بنا و در پس آن مرتبه فهم اندیشه پشتیبان بنا مکشوف گردد، بلکه ترتیبی که اتخاذ شده است تنها اعتباری برای تشخیص منازلی است که در این راه می‌توانند باشند. در مرتبه فهم معنای کالبدی بنا، حتماً مرتبه خواندن بنا روی داده است و در مرتبه فهم اندیشه پشتیبان بنا نیز ادراک دو مرتبه قبلی حاصل گشته‌اند. به این ترتیب مراحل اولیه به طور ضمنی در آخرین مرتبه ذوب هستند.

آن‌چنان‌که مخاطبان نیز خود اذعان می‌کنند، نمی‌توان از همه دانشجویان با سطوح ادراکی و توان توصیف متفاوت و در همه سطوح تحصیلی معماری، اعم از دوره مقدماتی و تحصیلات تکمیلی، انتظار یک سطح از روایتگری در توصیفات کلامی را داشت. از سوی دیگر، نمی‌توان در خصوص هر مصداق معماری

طلب هر سه محدوده از روایتگری را داشت. از یافته‌های نوشتار حاضر تأکید بر وجه کلامی در تربیت معماران و جستجوی نوعی تربیت کلامی است. استعدادی به نام توصیف کلامی، که به طور فطری در نهاد آدمی قرار دارد، در زمینه تربیتی دانشجویان معماری می‌تواند به منزله مهارتی از جنس بیان تقویت شود. چنین استعدادی که پشتیبانی خود را از قوای تکلم و همچنین قوای فهم و ادراک، از جمله مهارت مشاهده در دانشجویان، می‌گیرد، توان این را دارد که خود به تقویت بدنه مهارت ادراک معماری نیز بپردازد. این نسبتی دو سویه است که در نوشتار حاضر بین توان توصیف کلامی مصداقی معماری و توان فهم آن‌ها دریافت شده است. به این ترتیب، تقویت هر کدام از این دو استعداد ما را به سوی فراهم آوردن زمینه بروز دیگری یاری می‌رساند. همچنین به شرط تقویت هر دوی این بازوها، زمینه برای داشتن توصیف‌های تصویری مطلوب و خاص هر مصداق معماری، که در آموزش معماری اهمیت دارد، مساعد می‌گردد.

## منابع و مأخذ

- آل احمد، جلال. *حسی در میقات*، تهران: فراروی، ۱۳۸۵.
- آنتونیادس، آنتونی سی. *بوطیقای معماری*، جلد اول، ترجمه احمدرضا آی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
- الکساندر، کریستوفر. *معماری و راز جاودانگی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
- پیرنیا، کریم. *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات پژوهنده، ۱۳۸۲.
- جورگولا، دومالدو. *لویی کان*، ترجمه عبدالله جیل‌عاملی، تهران: انتشارات خاک، ۱۳۷۷.
- حاجی‌قاسمی، کامبیز. *گنجنامه (امامزاده‌ها و مقابر، دفتر دوازدهم)*، تهران:
- انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.
- دی کی چینگ، فرانسیس. *فرهنگ بصری معماری*، ترجمه محمدرضا افضلی، تهران: انتشارات یزدا، ۱۳۸۸.
- سالینگروس، نیکوس ای. *یک نظریه معماری*، ترجمه سعید زرین‌مهر و زهیر متکی، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۷.
- سپهری، سهراب. *اتاق آبی*، به کوشش پروانه سپهری، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۲.
- گروت، لیندا و دیوید وانگ. *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- نوربرگ-شولتز، کریستین. *معماری، حضور، زبان، مکان*، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، تهران: مؤسسه معمار نشر، ۱۳۸۱.